



بررسی رابطه اعتقادات مذهبی والدین و شیوه های فرزند پروری فرزندان در مهد کودک های شهر تهران

طاهره مرادی^۱

زهرا عباسیان^۲

مریم آخته^۳

آرزو ملول^۴

شهره بانو رستم آبادی^۵

سمیرا دوستی^۶

چکیده

هدف: طلاق یکی از پر فشارترین حوادثی است که اعضای خانواده با آن مواجه می‌شوند. هدف پژوهش پیش رو تعیین رابطه بین عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین و عزت نفس دختران بوده است.

روش: جامعه پژوهش شامل تمام دختران دانش آموز مقطع راهنمایی و دبیرستان شهرستان کنگاور که والدین آنها از هم جدا شده‌اند بوند که شامل ۶۰ نفر بودند و به دلیل محدود بودن جامعه، تعداد جامعه با نمونه برابر است. بعد از انتخاب نمونه پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی اجرا شدند. در این پژوهش از دو ابزار اندازه گیری عقاید کودکان درباره طلاق والدین (CBAPS)، عزت نفس کوپراسمیت (SEI) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است که بین عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین و عزت نفس ($r = -0/75$) رابطه وجود دارد ($p > 0/01$). یعنی رابطه عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین و عزت نفس آنها معکوس است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده پژوهش در نمونه حاضر، به نظر می‌رسد عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین بر میزان عزت نفس آنها تاثیر معناداری دارد. این رابطه به این شکل است که هر چه عقاید کودکان درباره طلاق والدین مشکل سازتر باشد میزان عزت نفس آنها پایین تر است.

واژگان کلیدی: طلاق، عقاید کودکان درباره طلاق والدین، عزت نفس

^۱. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، tmoradi123@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی

^۳. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی

^۴. کارشناس ارشد علوم تربیتی، کارشناس بهزیستی

^۵. کارشناس علوم تربیت

^۶. کارشناس روانشناسی عمومی، کارشناس اورژانس اجتماعی



مقدمه

یکی از مهمترین چالش‌هایی که هر جامعه‌ای همیشه با آن روبروست واقعیتی به نام طلاق است. پدیده‌ای که در جوامع امروزی با سرعت زیادی در حال افزایش است و آثاری زیان‌آوری از نظر اقتصادی، اجتماعی و به خصوص روانی، بر والدین و کودکان دارد (بانکی، امیری، اسعدی، ۱۳۸۸). فشارهای روانی همراه با اختلافات خانوادگی اغلب بر سلامتی روانی کودکان تاثیر می‌گذارد. کشمکش‌های ممتد والدین قبل، حین و بعد از طلاق دارای پیامدهای روانی و تکاملی منفی برای کودکان در تمام سنین می‌باشد. بسیاری از این پیامدها تا دوران جوانی ادامه می‌یابد یا در این سنین آشکار می‌شود (توکلیان، ۱۳۷۹؛ به نقل از زارعی محمودآبادی، احمدی، بهرامی، فاتحی زاده، اعتمادی، ۱۳۹۱). امر طلاق برای والدین یک ضایعه و برای کودکان یک فاجعه است. آثار طلاق بیشتر متوجه کودکان خانواده است که دل به عنایت و مهر گرم والدین داشته و خانه را مرکز امید و پناهگاه خویش می‌شناسند. طلاق پدر و مادر کودک را به اختلال عاطفی و رفتاری دچار می‌کند. در مواردی قدرت اندیشه و اراده را از او باز می‌ستاند و در کل او را چنان پریشان می‌کند که اثرات شوم آن مادام‌العمر عارض کودک است (فرجاد، ۱۳۷۸). زمانی که زن و شوهر علاقه چندانی به یکدیگر ندارند، یا جدای از هم زندگی می‌کنند، ممکن است کودک تصور کند علت اصلی جدایی اوست و خود را مقصر بداند یا از جانب پدر و مادر یا هر دو طرد خواهد شد و هیچ‌کدام او را نزد خود نگه نخواهند داشت یا امنیت او به طور جدی به خطر می‌افتد و نه تنها خانواده اش را، بلکه دنیای شیرین آرزوهایش را نیز از دست خواهد داد و یا خشم و عصبانیت خانواده اش همیشگی است و آن را درونی می‌سازد (سلحشور، ۱۳۸۰). طلاق برای کودکان، تنها یک حادثه نیست بلکه فرایندی است که ظرف چند سال اثراتش را بروز می‌دهد (گوودمن، امریوهاگارد، ۱۹۹۸). طبق یافته‌های فریمن این برای کودکان طلاق غیر معمول نیست که خشم، غمگینی، اضطراب، رهاشدگی، تنهایی، خارج از کنترل بودن یا حتی بیش از اندازه مسئولیت‌های والد غایب، را تجربه کنند. بعضی از کودکان کشمکش‌های خود را با رفتارهای آشفته بروز می‌دهند، در صورتی که بقیه منفعل می‌شوند و عقب‌نشینی می‌کنند. عکس‌العمل رایج دیگر به طلاق، سرزنش خود است. کودکان احساس می‌کنند که آنها واقعاً باعث طلاق شده‌اند (هیت، روس، ۱۹۹۱). طلاق، به خصوص بر کودکان در دوران ابتدایی تحصیل، تاثیر عمیق تری می‌گذارد. حس عدم امنیت، کودکان را به شدت آزار می‌دهد و از بازگردد شرایط خانواده‌ی خود شرمسار می‌سازد. حتی پس از مدتی ممکن است بچه‌ها خود را سرزنش کنند. در این باره، واکنش بچه‌ها متفاوت است. برخی غم و درد خود را ابراز می‌کنند و بعضی دیگر آن را پنهان می‌کنند (شاو، وینسلا، فلاناگان، ۲۰۰۶). کودکان و نوجوانان والدینی که طلاق گرفته‌اند کماکان پیشرفت تحصیلی کمتر، شایستگی اجتماعی کمتر، مشکلات هیجانی و رفتاری بیشتر و عزت‌نفس پایین‌تر دارند (آمانو، ۲۰۰۱). عزت‌نفس یک هیجان مرتبط با ارزش شخصی است که از مجموعه افکار، احساسات و تجارب فرد در طول زندگی ناشی می‌شود (روزنبرگ، ۱۹۷۹). عزت‌نفس کلی فرد عبارت است از ارزشیابی کلی شخص از ارزشمندی اش در آنچه انجام می‌دهد (روزنبرگ، ۱۹۹۵). عزت‌نفس یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار در انسان به شمار می‌رود. در حقیقت برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند تعیین‌کننده چگونگی برخورد آنها با مسائل مختلف است. فردی که عزت‌نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قایل نیست، ممکن است دچار انزوا گوشه‌گیری و یا پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی شود (مکی، اسمیت، ۲۰۰۲). یکی از نیازهای مهم انسان، نیاز به عزت‌نفس است. عزت‌نفس سالم برای کودکان مانند سپری در برابر چالش‌های دنیا عمل می‌کند. افرادی که احساس خوبی در مورد خود دارند به آسانی تعارض‌ها را پشت سر گذاشته، در مقابل فشارهای منفی ایستادگی می‌کنند و به خوبی می‌توانند از زندگی لذت ببرند. کلید بسیاری از موفقیت‌های انسان عزت‌نفس است و برعکس بسیاری از مشکلات انسان از ضعف آن ناشی می‌شود. عزت‌نفس از عوامل اصلی تعیین‌کننده در شکل‌دهی الگوهای رفتاری و عاطفی به شمار می‌آید. عزت‌نفس گویای نگرش فرد به خود و دنیای بیرونی است (بیابانگرد، ۱۳۷۳). عزت‌نفس پایین به عنوان عامل خطر برای پرخاشگری، بزهکاری، سوءمصرف مواد، افسردگی، عملکرد ضعیف تحصیلی، همسر آزاری، کودک آزاری و نظایر آن مشاهده شده است (فرانکن، ۲۰۰۶). عزت‌نفس پایین در تمام



زمینه‌ها با اضطراب، افسردگی و افزایش رفتارهای ضد اجتماعی ارتباط دارد (برک، ۱۳۹۰). اثرات طلاق بیشتر در میان دختران مشخص می‌شود، آنها از عزت نفس پایین رنج می‌برد (مراچاودهری، ۲۰۰۲). عزت نفس سپر محافظ در مقابله با فشارهای روانی است که از فرد در مقابل وقایع فشار آور منفی زندگی حمایت می‌کند. فردی که از ارزشمندی بالایی برخوردار است، به راحتی قادر است با تهدیدها و وقایع فشار آور بیرونی بدون تجربه‌ی برانگیختگی منفی و از هم پاشیدگی سازمان روانی مواجه شود (کوهن، ۲۰۰۴). حجم زیادی از ادبیات پژوهش حاکی از ارتباط متغیرهایی چون تعارض والدین-کودک، پاسخ‌های نوجوانان به ارزیابی خانواده و توصیف نوجوانان از جو منفی خانواده با عزت نفس پایین است (مراک، ۱۹۹۹). زکی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه شناختی نقش عوامل اجتماعی، رضایت اجتماعی و عزت نفس بر موفقیت تحصیلی را بررسی کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عزت نفس رابطه معناداری با موفقیت تحصیلی و رضایت اجتماعی دارد. در زمینه تأثیر طلاق بر کودکان پژوهش‌های زیادی انجام شده است. کلی، والرشتاین (۱۹۷۷) اولین پیشگامان این حیطه، از طلاق به عنوان عاملی بالقوه در مشکلات تحولی کودکان یاد کرده‌اند. از سوی دیگر، در خصوص اثرات طلاق، علل و پیامدهای آن، تحقیقات بسیار زیادی در سطح جهان صورت گرفته است از قبیل نتایج پژوهش‌های فرای و شر (۱۹۸۴)؛ روی و فراکا (۱۹۸۳) کودکان خانواده‌های تک‌والدی، در به تاخیر انداختن ارضای نیازها تحمل کمتری دارند؛ تحقیقات ولف (۱۹۹۶) در پژوهشی با عنوان ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه طلاق؛ هترینگتون، کلیگن پل (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان پرورش کودکان در خانواده‌های مادر سرپرست و سندلر، تین، ویست (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان دفاع‌ها، استرس و علائم روحی روانی کودکان طلاق؛ همچنین آماتو، لومیس، بوس (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان طلاق والدین و اثرات آن در تاهل و درگیری فرزندان در اوایل بزرگسالی؛ قایمی (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان اثرات طلاق در رشد اجتماعی و عاطفی کودکان؛ معین (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان اثرات طلاق والدین در افسردگی کودکان؛ رحیمی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل طلاق در استان خراسان نیز موید رابطه معنادار بین اثرات منفی طلاق و سلامت جسمی و روحی کودکان است. با توجه به مطالب پیش گفته پژوهش حاضر سعی داشت به بررسی تعیین رابطه عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین با عزت نفس دانش آموزان دختر شهرستان کنگاور بپردازد.

روش

جامعه پژوهش حاضر شامل تمام دختران دانش آموز مقطع راهنمایی و دبیرستان شهرستان کنگاور که والدین آنها از هم جدا شده‌اند که شامل ۶۰ نفر بودند و تعداد آنها ۶۰ نفر بود که به دلیل محدود بودن جامعه، تعداد جامعه با نمونه برابر است. پس از شناسایی دانش آموزان و انجام یک جلسه مصاحبه ساختار یافته آزمون‌ها به صورت فردی اجرا شد. و آزمون‌ها به صورت انفرادی بر روی نمونه اجرا شدند، برای اندازه‌گیری متغیرها از دو ابزار استفاده شد که عبارتند از:

مقیاس عقاید کودکان درباره طلاق والدین (CBAPS): این مقیاس توسط کوردک و برگ (۱۹۸۷) با ۳۶ عبارت برای سنجیدن عقاید مشکل ساز کودکان در مورد طلاق والدینشان طراحی شده است. که به صورت بله/خیر پاسخ داده می‌شود. CBAPS از شش زیر مقیاس تمسخر و اجتناب از دوستان، سرزنش پدر، ترس از رها شدن، سرزنش مادر، امید به ازدواج مجدد والدین و سرزنش خود تشکیل شده است. اعتبار این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت (SEI): مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) یک مقیاس ۵۸ ماده ای خود-گزارشی، مداد کاغذی است که ۸ ماده آن دروغ سنج می‌باشند. و ۵۰ ماده دیگر آن به ۴ خرده مقیاس عزت نفس خود، عزت نفس اجتماعی (همسالان)، عزت نفس خانوادگی (والدین) و عزت نفس تحصیلی (آموزشگاهی) تقسیم شده است. اعتبار این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.



یافته ها

جهت تجزیه و تحلیل داده ها و به دست آوردن ضریب همبستگی بین متغیرها از نرم افزار SPSS استفاده شد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرها

میانگین	انحراف استاندارد
۱۳/۵	۳/۷۳۴۸۶
۲۵/۳۶	۹/۳۶۰۸۸

جدول ۲: همبستگی بین مقیاس های عقاید کودکان درباره طلاق والدین با عزت نفس

عزت نفس	تمسخر و اجتناب از دوستان	سرزنش پدر شدن	ترس از رها شدن	سرزنش مادر	امید به ازدواج مجدد	سرزنش کل خود
-۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۵۷	-۰/۷۰	-۰/۰۸	-۰/۱۶۰	-۰/۷۶

با توجه به جدول (۲) چنانچه مشاهده می شود مقدار ضریب همبستگی بدست آمده از متغیرهای پژوهشی با سطح معناداری و عدد معناداری و نتیجه آزمون مشخص شده است. هرگاه مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است نشان دهنده ارتباط بین دو متغیر است. اعداد با علامت منفی نشان دهنده رابطه معکوس بین دو متغیر است. همان طور که در جدول دیده می شود بین عزت نفس و تمسخر و اجتناب از دوستان (-۰/۳۴)، سرزنش مادر (-۰/۷۰)، امید به ازدواج مجدد والدین (-۰/۸۰) و سرزنش خود (-۰/۶۰) به دست آمده است. که به معنی آن است که هر چه عقاید ناسازگار کودکان درباره طلاق والدین افزایش یابد میزان عزت نفس کودکان کاهش می یابد.

جدول ۳: شاخص های آماری رگرسیون

عزت نفس		
T	β	B
-۹/۰۶	-۰/۷۶	-۱/۹۱

همان طور که در جدول شماره ۳ می بینید نتایج به دست آمده پژوهش حاکی از آن است که بین عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین و عزت نفس ($r = -0/75$) آنها رابطه معکوس معنادار وجود دارد ($p > 0/01$). تحلیل رگرسیون نشان می دهد ضریب استاندارد شده Beta برابر با ۰/۷۶- است، که نشان می دهد به ازای هر واحد تغییری در متغیر مستقل، ۷۶ درصد در متغیر وابسته تغییر ایجاد می شود.



نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده پژوهش در نمونه حاضر، به نظر می رسد عقاید مشکل ساز کودکان درباره طلاق والدین بر میزان عزت نفس آنها تاثیر معناداری دارد. این رابطه به این شکل است که هر چه عقاید کودکان درباره طلاق والدین مشکل ساز تر باشد میزان عزت نفس آنها پایین تر است. نتایج این پژوهش با پژوهش های (مراک ۱۹۹۹)؛ زکی (۱۳۸۴)؛ کلی، والرشتابین (۱۹۷۷)؛ فرای و شر (۱۹۸۴)؛ روی و فراکا (۱۹۸۳)؛ ولف (۱۹۹۶)؛ هترینگتون، کلیگن پل (۱۹۹۷)؛ و سندلر، تین، ویست (۲۰۰۱)؛ آماو، لومیس، بوس (۲۰۰۵)؛ قایمی (۱۳۷۷)؛ معین (۱۳۸۲)؛ رحیمی (۱۳۸۴) همسو می باشد.

منابع

- بانکی، یاسمن. امیری، شعله. اسعدی، شعله (۱۳۸۸). *اثربخشی کتاب درمانی گروهی بر میزان اضطراب جدایی و افسردگی در کودکان والدین طلاق گرفته*. دانشور رفتار روانشناسی بالینی و شخصیت. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد. سال شانزدهم. شماره ۲۷.
- برک، لورا (۱۳۹۰). *روانشناسی رشد، از لقاح تا کودکی*. سید محمدی، یحیی. نشر ارسباران.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۳). *روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان*. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران.
- سلحشور، ماندانا (۱۳۸۰). *ترس های کودکان*. انتشارات واژه آراء. تهران. پیوند، شماره ۹۲.
- رحیمی، عباس (۱۳۸۴). *بررسی عوامل طلاق در استان خراسان*. رشد. تهران.
- زارعی محمودآبادی، حسن. احمدی، احمد. بهرامی، فاطمه. فاتحی زاده، مریم السادات. اعتمادی، عذرا (۱۳۹۱). *پیشگیری از طلاق و جدایی*. انتشارات دانشگاه یزد.
- زکی، محمدعلی (۱۳۸۴). *بررسی جامعه شناختی نقش عوامل اجتماعی، رضایت اجتماعی و عزت نفس بر موفقیت تحصیلی*. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال دوم.
- قایمی، علی (۱۳۷۷). *اثرات طلاق در رشد اجتماعی و عاطفی کودکان*. تهران. مجله پیوند، شماره ۹۲.
- معین، زهرا (۱۳۸۲). *تاثیر طلاق والدین در افسردگی دختران*. سمینار بررسی سیمای دختر بچه ها در جمهوری اسلامی ایران و نهاد ریاست جمهوری، دفتر امور زنان. یونیسف/صندوق سازمان ملل متحد. تهران.

منابع لاتین

- Amato, P.R., Loomis, L.S., & Booth, A. (2005). *Parental Divorce, Marital Conflict, and Offspring Well-Being during Early Adulthood*. *Social Forces*, 73, 895-915.
- Hetherington, E. M., Cox, M. & Cox, R. (1997). *The Development of Children in Mother Headed Families*. In H. Hoffman & D. Reiss (Eds). *The American Family: Dying and Developing* New York: Plenum.
- Kelly, J.B., & Wallenstein, J.S. (1977). *Brief interventions with children of divorcing families*. *Journal of Orthopsychiatry*, 47(1), 23- 36.



- Kohn, A. (2004). *The truth about self-esteem Phi Delta Copan*, pp.272-285.
- Kurdek, L. A. & Berg, B. (1987). Children's beliefs about Parental divorce scale: Psychometric characteristics and concurrent validity. *Journal of consulting and clinical Psychology*: 55, 712-718.
- Sandler, I.N., Tein, J.Y., & West S. G. (2001). *Coping, Stress, and the Psychological Symptoms of Children of Divorce: A Cross Sectional and Longitudinal Study*. *Child Development*, 65, 1744-1763.
- Shaw, D.S., Winslow, E.M., & Flanagan, C. (2006). *A Prospective Study of the Effects of Marital Status and Family Relations on Young Children's Adjustment among African American and European American Families*. *Child Development*, 70, 792-755.